

معناشناسی ایثار در قرآن کریم

سیدحسین سیدی^۱، علی رفیعی^{۲*}

- ۱- استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد
- ۲- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

alirafiei@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۲۹

چکیده:

«ایثار» به‌عنوان بالاترین مرتبه‌ی ایمان، از نظر معنای لغوی و اصطلاحی، گستره‌ی وسیعی دارد؛ اما دامنه‌ی معنایی این واژه در عرف عام، به‌قدری محدود شده که بیشتر در معنای اصطلاحی «بخشش و فداکاری» آشکار شده است. در این پژوهش، ضمن ریشه‌یابی و تعیین معنای وضعی واژه‌ی ایثار براساس منابع لغوی، به کشف لایه‌های معنایی آن در آیات قرآنی پرداخته و کاربرد آن در مقطع زمانی قبل و بعد از اسلام، مقایسه می‌شود؛ سپس جایگاه و ارتباط معنایی آن در قرآن، با عنایت به حوزه‌های معنایی آن، بررسی می‌شود. بدین منظور، مطالب تحت عنوان «معناشناسی تاریخی و توصیفی» و با روش «توصیفی - تحلیلی» بیان شده است. معنای لغوی آن، شامل هرگونه برتری‌دادن و مقدم‌داشتن، اعم از ایثار مثبت و منفی می‌شود. قبل از اسلام، معنای اصطلاحی آن بیش از معنای لغوی، رایج بوده و بیشتر به انگیزه‌های فردی و قبیله‌ای محدود می‌شد؛ اما آیات قرآنی، آن را در خدمت اهداف دین جدید قرار داد و به آن، نیت و انگیزه‌ی الهی بخشید. درخصوص بافت قرآن کریم، این واژه با حفظ معنای لغوی و اصطلاحی، با بسیاری از مفاهیم اخلاقی و دینی، ارتباط معنایی پیدا می‌کند: در معنای اصطلاحی با مفاهیمی مانند «احسان، إطعام، انفاق و شهادت»؛ و در تقابل معنایی با واژه‌هایی مانند «بخل، شح، قُتور و ضنّین»؛ و در هم‌معنایی نسبی با کلمات «إختیار، تفضیل، إصطفاء و إجتباء»؛ که در یک حوزه‌ی معنایی قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: ایثار، حوزه‌ی معنایی، قرآن کریم، معناشناسی تاریخی، معناشناسی توصیفی.

۱. مقدمه

«معناشناسی» (Semantics)، اصطلاحی فنی است که به بررسی و مطالعه‌ی معنی (Meaning)،

اطلاق می‌شود (پالمر، ۱۳۹۱: ۱۳)؛ و شاخه‌ای از زبان‌شناسی (Linguistics)، را که مطالعه‌ی علمی زبان است، تشکیل می‌دهد (همان: ۲۰). به عبارتی، بررسی ارتباط میان واژه و معناست که از نیم‌قرن پیش مورد توجه قرار گرفته است و آن را «تحقیق و مطالعه‌ی تحلیلی درباره‌ی کلمات کلیدی زبان» نیز تعریف می‌کنند (ایزوتسو، ۱۳۹۱: ۴).

برای فهم دقیق معنای واژه‌های کلیدی، باید به بافت و سیاق و روابط آن‌ها با دیگر مفاهیم و اصطلاحات توجه کرد؛ به‌ویژه در متون دینی مانند قرآن که مجموعه‌ی اتفاقی از کلمات بدون نظم و قاعده نیست، بلکه واژه‌های آن با قرارگرفتن در نظام و شبکه‌ی خاص قرآنی، در ارتباط با سایر کلمات، رنگ معناشناختی خاصی به خود می‌گیرند که اگر بیرون از دستگاه، بدون در نظرگرفتن بافت و سیاق آیات لحاظ شوند، آن معنا را دربرنمی‌گیرند (همان: ۲۴-۲۵).

بنابراین، نگاه معناشناختی به قرآن و تحلیل معنایی واژگان آن، یکی از راه‌های دستیابی به لایه‌های معنایی آیات الهی است که اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا لفظ و معنای قرآن، از جانب خداست و از بطون و سطوح معنایی متعددی برخوردار است.

در ضرورت و اهمیت بحث ایثار نیز گفتنی است که نقش مهم آن در روابط اجتماعی انسان‌ها، در طول تاریخ و زندگی روزمره، غیرقابل انکار است و ضرورت وجود آن در تکامل فردی و اجتماعی بشر تأیید شده است؛ از طرف دیگر، جایگاه فوق‌العاده ارزشمندی در فرهنگ دینی و قرآنی ما دارد. و موضوع، فرادینی بوده و علاوه بر اسلام، در سایر ادیان نیز یکی از توصیه‌های جدی، معطوف به آن است.

به‌طور کلی معناشناسی واژگان، از دو جهت بررسی می‌شود: تاریخی (Historical) و توصیفی (Descriptive). معناشناسی تاریخی (در زمانی یا زمان گذر)، مطالعه‌ی تغییرات معنا در طول زمان است (پالمر، ۱۳۹۱: ۲۹)؛ و معناشناسی توصیفی (هم‌زمانی)، به مطالعه‌ی رابطه‌ی معنایی واژگان در یک حوزه‌ی معنایی در مقطع زمانی خاص می‌پردازد (ایزوتسو، ۱۳۹۱: ۳۹).

در معنای عرفی، از واژه‌ی «ایثار» به گذشت و فداکاری تعبیر می‌شود؛ اما در این پژوهش، سعی بر آن است ضمن ریشه‌یابی و تعیین معنای وضعی واژه‌ی ایثار و مصادیق آن براساس منابع لغوی، به کشف لایه‌های معنایی آن در آیات قرآنی پرداخته، و کاربرد آن در مقطع زمانی

قبل و بعد از اسلام، مقایسه شود؛ سپس جایگاه و ارتباط معنایی آن در قرآن کریم، با عنایت به حوزه‌های معنایی، بررسی خواهد شد. سؤال‌های اصلی این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌ی ایثار چیست؟
۲. ایثار، چه تطورات معنایی در دوره‌ی قبل و بعد از اسلام داشته است؟
۳. وجوه معنایی و حوزه‌ی معناشناسی این واژه و مشتقاتش چیست؟
۴. ایثار در کاربرد و حیانی در ارتباط یا تقابل با کدام واژه‌ها استعمال شده است؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

با بررسی معناشناسی واژگان قرآنی، نکات تازه‌ای برای ما روشن می‌شود که کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ و از آنجایی که قرآن کریم، از طرف حکیم نازل شده است و کلام استوار الهی بوده و با زبان مردم عصر نزول سخن گفته است (ابراهیم: ۴)، پس قراین مقالی و مقامی مانند بافت و سیاق آیات، زمان و مکان نزول آن‌ها، در بررسی واژگان کلیدی آن و راهنمایی ما در رفع مجهولات مان بسیار یاری می‌رساند.

در بین زبان‌شناسان متأخر، توشیهیکو ایزوتسو (Toshihico Izutsu)، پژوهشگر ژاپنی، از روش معناشناسی در دو کتاب «خدا و انسان در قرآن» و «مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید» استفاده کرده است. در کشور ما نیز در موضوع معناشناسی، کتاب‌های «تغییر معنایی در قرآن» به قلم سیدحسین سیدی، «درآمدی بر معناشناسی» توسط کورش صفوی تألیف شده، و مقالاتی نیز به دست برخی پژوهشگران دیگر، به رشته‌ی تحریر درآمده است؛ اما باید بیشتر از این در حوزه‌ی معناشناسی، مخصوصاً درباره‌ی واژگان کلیدی قرآن کار شود؛ زیرا معناشناسی واژگان قرآن در دستگاه خاص معناشناختی آن، از جمله مباحثی است که در نوع آثار لغوی و تفسیری، کمتر بدان توجه شده است.

شایان ذکر است که هرچند همایش‌های مختلفی با موضوع فرهنگ ایثار و شهادت در مراکز مختلف، از جمله در دانشگاه زنجان (۱۳۸۹)، دانشگاه آزاد اسلامی همدان (۱۳۹۰)، دانشگاه شیراز (۱۳۹۱) برگزار شده است، خلأ بررسی معناشناختی واژه‌ی مذکور احساس

می‌شود؛ زیرا تاکنون اثری مستقل درباره‌ی معناشناسی آن نگاشته نشده است.

۳. معنای لغوی و اصطلاحی ایثار

واژه‌ی ایثار (Self-sacrifice)، در لغت به معنای برتری‌دادن (ابن‌منظور، ۱۴۲۸، ج ۲: ۳۹۰؛ ابن‌دُرید، ۱۴۲۶، ج ۱: ۴۶)، برگزیدن، اختیارکردن (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۱۰)، ترجیح‌دادن و مقدم‌داشتن دیگری بر خویشتن است (راغب، ۱۳۹۰: ۲۱)؛ و آن مصدر باب افعال از ماده‌ی «أَثَرَ، يُؤَثِّرُ» است.

هرگاه کسی بخواهد بگوید اثری از من صادر شد که لازمه‌ی باقی‌ماندن آن اثر، تقدیم شیئی بر شیئی دیگر باشد، از کلمه‌ی ایثار استفاده می‌کند و زمانی که می‌خواهد بگوید به چه کسی اثر گذاشت، و به اثری که بر مخاطب گذاشته، توجه داشته باشد، کلمه‌ی تأثیر را می‌آورد؛ زیرا در باب افعال، توجه به صدور فعل از فاعل است و استفاده از باب تفعیل زمانی است که گوینده بخواهد رسیدن به مفعول را عنوان کند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۲).

ایثار در اصطلاح علمای اخلاق، به معنای گذشت از خود به نفع دیگران است؛ از جمله در "جامع السعادات" آمده است: برترین درجات جود و سخا، ایثار است که عبارت از بخشش مال، با وجود نیاز به آن (نراقی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۶۳)، که بیانگر رشد و معرفت الهی انسان است.

۴. ریشه‌شناسی (Etymology)

ریشه‌ی اصلی واژه‌ی ایثار، «أثر» است. درباره‌ی مدلول حسّی آن گفته شده که «أَثَرَ السَّيْفُ» یعنی وقتی با شمشیر روی چیزی می‌زنید و در اثر آن ضربه، چیزی قطع می‌شود که به آن چیز قطع شده و باقی‌مانده، اثر گویند (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۷۵). برای درک مدلول انتزاعی و تجربیدی «أثر» و مشتقات آن، سه اصل معنایی زیر را می‌توان بیان کرد که به نوعی با هم رابطه‌ی معنایی دارند (ابن‌فارس، ۱۳۸۷: ۹):

۴-۱. **رسم الشیء الباقی:** یعنی نشانه یا باقی‌مانده‌ی چیزی که می‌تواند روی سنگ یا کاغذ یا هر چیز دیگری باشد؛ مانند نوشته‌ی کسی که می‌گوییم اثر و نشانه‌ی فلانی است. و جمع آن «آثار» است و منظور از «آثار النبی»، سنت‌ها و روش‌هایی است که از آن حضرت باقی مانده

است (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۷۵). «وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ» (غافر: ۲۱)؛ یعنی آثار بیشتری در زمین داشتند.

۴-۲. ذکر الشیء: به معنای یادکردن چیزی است. گوینده وقتی گفتاری را از کسی نقل می‌کند، می‌گوید: «ذَكَرْتُ كَلِمَاتِهِ» که به جای آن می‌تواند بگوید: «أَثَرْتُ الْحَدِيثَ» یعنی کلام او را نقل کردم. و یا «حَدِيثٌ مَأْتُورٌ» یعنی گفتار روایت شده. و «...أَثَارَةٌ مِنْ عِلْمٍ...» (الأحقاف: ۴)؛ یعنی باقی‌مانده‌ی علم خوب که از پیشینیان نقل می‌شود (زمخشری، ۱۴۲۶: ۱۱؛ جوهری، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۷۵). مطابق با این معنا، می‌توان نتیجه گرفت: کلمه‌ی «يُؤْتِرُ» در آیه‌ی «فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتِرُ» (المدثر: ۲۴)؛ فعل مضارع و مجهول «يَأْتِرُ» (به کسر یا ضمّ عين الفعل) و ثلاثی مجرد، به معنای «روایت یا نقل شدن و تعلیم‌دادن» است؛ هرچند که بعضی فعل مضارع و مجهول «يُؤْتِرُ» از باب ایثار و به معنی برگزیدن و مقدم‌داشتن دانسته و گفته‌اند: «سحری است که در دل‌ها اثر می‌کند، و مردم آن را بر همه چیز مقدم می‌دارند و آن را از ایثار دانسته‌اند! درحالی‌که مطابق معنی اول "ولیدبن مُغیره" می‌گوید: این (قرآن) سحری است همانند سحرهایی که از پیشینیان نقل شده است.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۸۷؛ مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۲۳۱).

دلیل دیگر بر این ادعا، استعمال کلمه‌ی «يُؤْتِرُ» به معنای نقل و روایت شدن، توسط شاعر عرب جاهلی (امرؤ القیس) است:

وَلَوْ عَنُّ نَثَا غَيْرِهِ جَاءَنِي وَ جُنْحُ اللَّسَانِ كَجُنْحِ الْبَيْدِ
لَقُلْتُ مِنَ الْقَوْلِ مَا لَا يَرَا لُ يُؤْتِرُ عَنِّي، يَدُ الْمُسْتَدِ

اگر این سخن، از دیگری به من برسد که زخم زبان مانند زخم دست است، حتماً آن را در میان مردم پخش می‌کنم تا اینکه پیوسته از من نقل شود (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰: ۷۶؛ اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۳۳۱).

۴-۳. تقدیم الشیء: به معنای مقدم‌داشتن چیزی بر دیگری. و کلمه‌ی ایثار از این معنا گرفته شده و معنای وضعی آن همین است که مهم‌تر از معناهای قبلی است؛ زیرا در آن لازمه‌ی باقی‌ماندن اثر، تقدیم شیئی بر شیئی دیگر است. و ایثارگر نیز، دیگران را بر خود مقدم می‌دارد. و این برتری‌دادن دیگران بر خود، در واقع همان ابقای اثر است؛ زیرا اگر این نعمت را در اختیار دیگران نگذارد، تنها خودش استفاده می‌کند؛ اما انسان ایثارگر، اثری را که به آن نیاز دارد در اختیار دیگران می‌گذارد تا بقیه‌ی مردم بهره ببرند، در نتیجه، اثر آن باقی‌ماندنی می‌شود. پس لفظ «اثر» گاهی برای فضل و ایثار، عاریه گرفته می‌شود؛ یعنی به صورت استعاره، در

معنای فضل و تفضّل استعمال شده و به معنای برتری دادن و یا برتری داشتن است و با معنای ایثار هم بی‌ارتباط نیست. و «رَجُلٌ أَيٌّْ» یعنی کسی که یکی را بر همراهانش برتری می‌دهد (راغب، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۲). و «لَقَدْ أُزِّتُ بِأَنْ أَعْلَلَ كَذَا»، بیانگر معنای اهتمام به انجام دادن تصمیم است. و «أَنْزْتُ أَنْ أَقُولَ الْحَقَّ» یعنی ترجیح دادم حقیقت را بگویم (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۲۳۶؛ زمخشری، ۱۴۲۶: ۱۱).

۵. مفهوم ایثار قبل از اسلام

در ادیان قبل از اسلام، فداکاری و ایثار، جزو لاینفک ادبیات حماسی تاریخ ملل بوده است. با مراجعه به قرآن (طه: ۷۲-۷۵)، به مواردی برخورد می‌کنیم که در بین یهود، افرادی مثل ساحران فرعون، اسم خود را در لیست شهدا ثبت کرده‌اند و این نشانگر آن است که در عقیده یهودیت نیز معنای اصطلاحی ایثار وجود داشته، و حتی به وعده‌ی الهی درباره‌ی ایثار، در ادیان یهود و مسیح و نتایج آن، در قرآن نیز اشاره شده است: «...وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ...» (التوبه: ۱۱۱).

مسیحیان را عقیده بر این است که حضرت عیسی (ع) برای بخشش گناهان همه‌ی مردم جهان، قربانی شد و نمونه‌ی کامل و مثّل‌اعلای ایثار و فداکاری در راه محبت الهی است (ناس، ۱۳۸۶: ۶۰۷). در نظام اخلاقی عرب قبل از اسلام نیز، مفهوم ایثار بر اثر وجود پاره‌ای صفات اخلاقی مرتبط با آن، مانند بخشش، مهمان‌نوازی و گذشت، برای مردم شبه‌جزیره، مفهومی شناخته شده بود (علی، ۱۹۷۲، ج ۴: ۵۸۴). و «عرب جاهلی از «حاتم طائی» به عنوان نمونه‌ی واقعی و مثّل‌اعلای کمال مطلوب عرب در سخاوتمندی، یاد کرده است» (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۱۵۴)؛ اما ایثار بیشتر به تعصبات قومی قبیله‌ای، وطن پرستی و دفاع از خویشان در برابر حملات قبایل دیگر تعریف و تمجید می‌شد.

زهیر بن ابی سلمی، شاعر جاهلی، در معلقه‌ی خویش که آن را مختصر اخلاقیات صحرا شمرده‌اند، می‌گوید:

«وَمَنْ يَجْعَلِ الْمَغْرُوفَ مِنْ دُونِ عَرْضِهِ يَفْرَهُ وَمَنْ لَا يَتَّقِ الشَّتْمَ يُشْتَمُ» (البسنانی، ۱۹۶۰، ج ۱: ۸۸).

یعنی هرکس به خاطر حفظ آبرویش، بذل مال و احسان کند بر آبرومندی، شرافت و احترام

خود بیفزاید و هرکس از دشنام پرهیز نکند دشنامش می‌دهند.

در اینجا شاعر، واژه‌ی «المعروف» را در محور جانشینی با واژه‌ی «ایثار»، استعمال کرده است که ایثارگری و سخاوتمندی را دلیل اصل نجابت می‌داند. وی در بیت دیگری، «بُخْل» را در تقابل معنایی با «ایثار»، مذموم می‌شمارد که پدیدارگشتن کوچک‌ترین نشانه‌ای در هرکس، باعث شرمساری او می‌شود:

«وَمَنْ يَكُ ذَا فَضْلٍ فَيَبْخُلْ بِفَضْلِهِ عَلَى قَوْمِهِ يُسْتَعْنِ عَنْهُ وَيُدْمَمُ» (البستانی، ۱۹۶۰، ج ۱: ۸۸).

یعنی آن‌کس که با داشتن ثروت و مال، بخل ورزد و آن را از قومش دریغ دارد، مردم از او روی برمی‌گردانند و شماتتش می‌کنند.

بنابراین معنای اصطلاحی ایثار، به اشکال مختلف در شعر جاهلی، آمده است و شعرای مُخَضَّرَم، مشتقات آن را در معنای لغوی نیز، استعمال کرده‌اند که به معنای اصطلاحی درنیامده است؛ از جمله در شعر متمم بن نویره که از باب ایثار، به معنای ترجیح‌دادن استفاده شده است:

«أَثَرْتُ هِدْمًا بَالِيًا، وَسَوِيَّةً، وَجِئْتُ بِهَا تَعْدُو، بَرِيدًا مُقَرَّعًا؟» (البستانی، ۱۹۶۰، ج ۲: ۶۶).

یعنی آیا ترجیح دادی او را با لباس کهنه و پاره، کفن کنی و خبر مرگ او را همچون پیک تندرو بیاوری؟

۶. حوزه‌ی معنایی ایثار بعد از اسلام

با ظهور اسلام، برخی از اصطلاحات و واژه‌های کلیدی دوران جاهلیت، دست‌خوش تغییر معنایی خاصی شدند (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۱۵۱). آیات الهی، کارهای نیک اجتماعی، از جمله ایثار را تنها برای خداوند و با اخلاص، تأیید کرده و نیت و انگیزه‌ی نهفته در پشت آن را مهم می‌داند و هر عمل ایثارگرانه‌ای را که از میل به خودنمایی سرچشمه گرفته باشد، نهی می‌کند و عدم تخلُّق به صفت ایثار و درونی‌نشدن انفاق در قالب ایثار را، از نبود یا ضعف ایمان به خداوند و جهان آخرت می‌داند: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (البقره: ۲۶۱-۲۶۷). در ادامه، برای اینکه بدانیم پس از اسلام، واژه‌ی ایثار به چه معنایی در بین مردم معمول بوده است، به نمونه‌هایی از احادیث بزرگانی که در آن مقطع زمانی زندگی کرده‌اند اشاره می‌شود:

از پیامبر(ص) روایت شده: «أَيُّا إِمْرِي أَشْتَهِي شَهْوَةً فَرَدَّ شَهْوَتَهُ وَأَثَرَ عَلَى نَفْسِهِ، غَفَرَ لَهُ»؛ هر مردی که چیزی را بخواهد و خود را از آن خواهش نگه‌دارد و دیگری را بر خود ترجیح دهد، آمرزیده شود (نراقی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۶۳). در معنای اصطلاحی نیز در سخنان آن حضرت(ص)، ایثار با عناوینی مانند انفاق، جود و سخا آمده که از دیدگاه آن حضرت، فضیلت عمده‌ای به‌شمار می‌آید (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

در نهج‌البلاغه، واژه‌ی ایثار و مشتقات آن از این باب، به تعداد دوازده‌بار استعمال شده (دشتی و محمدی، ۱۳۶۹: ۱۴-۱۳)، و در تمامی آن‌ها به معنای لغوی آن، یعنی برگزیدن و مقدم‌داشتن به‌کار رفته است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. نامه‌ی ۵۳ - «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِثَارٍ طَاعَتِهِ...» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۶۶)؛ که در ابتدای فرمان مبارک امام(ع) به مالک اشتر، او را به ترس از خدا و مقدم‌داشتن اطاعت خدا بر دیگر کارها دستور می‌دهد.

۲. حکمت ۴۵۸ - «الإِيمَانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ، عَلَى الْكُذْبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ...» (همان: ۷۳۸)؛ که در آن «تُوْتِر» مشتق فعلی از ایثار است و مقدم‌داشتن راست‌گویی بر دروغ‌گویی، از نشانه‌های ایمان بیان شده است.

۳. خطبه‌ی ۱۱۱ - «...تَعَبَّدُوا لِلدُّنْيَا أَيْ تَعَبَّدُوا وَأَثَرُهَا أَيْ إِثَارٍ» (همان: ۲۱۳)؛ که به برگزیدن دنیا، توسط پیشینیان اشاره دارد.

البته در معنای اصطلاحی نیز در توصیه‌های امیرمؤمنان(ع)، بسیار مشاهده می‌شود؛ از جمله در غررالحکم، ایثار را والاترین صفات انسانی، نهایت نیکوکاری و شریف‌ترین بزرگواری معرفی کرده است: «الايثارُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ، الْايثارُ غَايَةُ الْإِحْسَانِ وَالْايثارُ أَشْرَفُ الْكِرَامِ» (خوانساری، ۱۱۲۵، ج ۱: ۳۷۳).

در دعای هشتم امام سجاد(ع) در صحیفه‌ی سجادیه آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... إِيثارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ»؛ خدایا به تو پناه می‌برم از این که باطل را بر حق ترجیح دهم (انصاریان، ۱۳۷۴: ۶۷). و نیز از امام صادق(ع) روایت شده: «إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤْتِرَ الْحَقَّ وَإِنْ ضَرَّكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَإِنْ نَفَعَكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۱۴)؛ از حقیقت ایمان این است که حق را بر باطل مقدم‌داری، هرچند حق به ضرر تو و باطل به نفع تو باشد.

بنابراین، در گفتار بزرگان دین، واژه‌ی «ایثار»، هم در معنای لغوی و هم اصطلاحی استفاده شده است که معنای عامی از آن، در آن‌ها فهمیده می‌شود. و با مفاهیم بنیادی مانند ایمان، تقوی، عبادت، اطاعت، صداقت، احسان، کرم و حق، پیوند یافته، شبکه‌ی معنایی گسترده‌ای را تشکیل می‌دهد.

۷. وجوه معنایی ایثار در قرآن

با بررسی در قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که مشتقات واژه‌ی ایثار در آیات الهی، بر دو وجه معنایی و پنج‌بار به‌کار رفته است که از ریشه‌ی «أثر» به‌معنای «تقدم الشيء»، گرفته شده است:

۱-۷. برگزیدن و ترجیح‌دادن (دنیا بر آخرت)، به‌معنای ایثار مذموم و مقدم‌داشتن منفی، که در دو آیه استعمال شده است: «وَأَثَرُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (النَّازِعَات: ۳۸)؛ زندگی دنیا را برگزید. و آیه‌ی «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (الأعلى: ۱۶)؛ بلکه زندگانی دنیا را مقدم می‌دارید، درحالی‌که آخرت، بهتر و پایدارتر است: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَثَرُهَا» (الأعلى: ۱۷)؛ که در اولی به‌شکل فعل ماضی و در دومی، مضارع آمده است.

«ایثار که گزیدن یکی و واگذاردن دیگری است، در این آیات، دلالت بر این حقیقت دارد که انسان، در میان دو راه و دو جاذبه‌ی حیات پست‌تر و برتر (دنیا و آخرت) به‌سر می‌برد، و چون جاذبه‌ی دنیا، نیرومندتر از محرک‌های بالاتر است، دنیا را می‌گزیند و از آخرت روی می‌گرداند» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج: ۴؛ ۲۲). در این آیات، هم‌نشینی واژه‌ی ایثار با واژه‌های دنیا و آخرت، دلالت بر استعمال معنای لغوی آن دارد و اینکه این تقدیم از نوع اعلی بر ادنی و ادنی بر اعلی است.

۲-۷. برگزیدن و ترجیح‌دادن، به‌معنای ایثار ممدوح و مقدم‌داشتن مثبت که در سه‌جا آمده است: «...وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...» (الحشر: ۹)؛ آن‌ها دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، گرچه خودشان نیازمند باشند. که در آن از ایثار مسلمانان مدینه نسبت به مهاجران مکه ستایش شده است. خدمت‌رسانی انصار به مهاجرین به جایی رسید که به‌رغم نیاز شدیدشان، تأمین نیازهای آن‌ها را بر خود مقدم می‌داشتند (طبری، ۱۴۱۲، ج: ۲۸؛ ۲۸-۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۹؛ ۳۹۳).

خداوند در آیه‌ی قبل از این نیز از مهاجران یاد می‌کند که برای یاری خداوند و پیامبرش از ثروت و وطن خویش چشم پوشیده، در پی فضل الهی هجرت گزیدند: «لِلْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَتَّبِعُونَ فَضلاً مِنْ اللَّهِ وَرِضواناً وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (الحشر: ۸). هم‌نشینی واژه‌ی ایثار در ارتباط با ویژگی‌های بیان‌شده‌ی مشترک، میان دو گروه انصار و مهاجرین، بر استعمال معنای اصطلاحی ایثار دلالت دارد و در آخر آیه نیز با توجه به محور هم‌نشینی، ایثار در ارتباط نزدیک با صدق قرار داده شده است؛ به عبارتی دیگر ایثارگران، شایسته‌ی آن می‌گردند که صدیق نامیده شوند.

گاهی ایثار در معنایی وسیع‌تر، برای هرگونه ترجیح بین دو طرف آمده است: «قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا...» (یوسف: ۹۱)؛ آنجا که برادران یوسف (ع) به او گفتند: به خدا سوگند خداوند تو را از میان ما برگزید و فضیلت بخشید (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۶۳). ایثار در این آیه به معنای برگزیدن و باقی‌گذاشتن اثری است که در میان مردم باقی باشد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۲: ۹۴)؛ یعنی خداوند متعال تو را برای ما باقی گذاشته و به حلم، دانش، عقل، زیبایی و سلطنت، برتری داده است. آیه‌ی سوم «قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا...» (طه: ۷۲) است که ایثار در آن به معنای مقدم‌داشتن و برتری‌دادن آیات الهی و دلایل روشن، در مقابل تهدیدات فرعون است که نشان‌دهنده‌ی تحویل فکری آنان بعد از ایمان به خداست که موجب شد ساحران، به فرعون بی‌توجه شوند. از هم‌نشینی «ایثار» در این آیه، با «ایمان» در آیات بعدی، می‌توان به این نتیجه رسید که ایمان به خدا، منشأ ایثار و عمل صالح است: «إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا...» (طه: ۷۳-۷۵). نتیجه‌ی بررسی کاربردهای متفاوت واژه‌ی «ایثار» آن است که در قرآن، معنای لغوی آن به‌کار رفته و در یک آیه (الحشر: ۹)، معنای لغوی با اصطلاحی آن مطابق شده است. و نیز تقدیم در واژه‌ی ایثار از نوع اعلی بر ادنی، مانند انفاق و بخشش، و گاهی ادنی بر اعلی، مانند برگزیدن دنیا بر آخرت آمده است.

۸. حوزه‌ی معنایی ایثار در قرآن

برای بررسی بیشتر موضوع ایثار و تحلیل ساختار معنایی آن در قرآن، باید به دنبال کلیدواژه‌های دیگری باشیم که در محور جانشینی یا هم‌نشینی، به نوعی در ارتباط معنایی با آن هستند که به

چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

۸-۱. «انفاق»: انفاق در قرآن، به اعطای مال یا چیز دیگری در راه خدا، به نیازمندان گفته می‌شود و با إعطاء، از آن جهت متفاوت است که در انفاق، همواره مالکیت شیء انفاق شده منتقل می‌شود؛ ولی در إعطاء، لزوماً چنین نیست (عسکری، ۱۴۱۲: ۸۲)؛ بنابراین انسان بخشنده، هرگاه بخشی از مالش را به دیگران بدهد و برای خود هم نگه دارد، انفاق کرده و در حالت تقسیم برابر، مساوات (انصاف) می‌کند؛ اما در ایثار، مال خود را با وجود دوستی آن چیز و نیازش، برای رضای خدا، به تمامی به دیگری می‌بخشد؛ درحالی‌که خود به آن نیاز دارد «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ...» (الانسان: ۸-۹). پس بالاتر از همه، «ایثار» است.

۸-۲. «احسان»: یعنی شخص نیکوکار، بیش از آنچه بر عهده‌اش است، إعطا کرده و کمتر از حَقِّش، برای خود، نگه می‌دارد (راغب، ۱۳۹۰: ۱۹۱). از حضرت علی(ع) نقل شده است: «الإيثارُ أَحْسَنُ الإِحْسَانِ، وَأَعْلَى مَرَاتِبِ الإِيمَانِ» (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۲۸)؛ بنابراین، ایثار به‌عنوان نیکوترین احسان و بالاترین مرتبه‌ی ایمان، مصداقی کامل از مقام احسان است.

۸-۳. «شهادت»: گاهی ایثار با نثار جان در راه خدا صورت می‌گیرد که بهترین مرگ و بالاترین نوع ایثار است و ارتباطشان چنان است که بدون معناشناسی ایثار، واژه‌ی شهادت غریب خواهد بود. خداوند در قرآن، شهیدان را با عبارات «الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (محمّد: ۴؛ آل عمران: ۱۶)، و «مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (البقره: ۱۵۴)، «مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ» (النساء: ۷۴)، معرفی می‌کند؛ بنابراین کشته‌شده‌ی در راه خدا شهید است (ابن‌منظور، ۱۴۲۸، ج ۲: ۱۸۲؛ ابن‌فارس، ۱۳۸۷: ۵۱۰)، و اساس شهادت، ایثار در راه خدا و اجرای فرامین اوست.

۹. تقابل معنایی

۹-۱. «بخل»: در مقابل ایثار مالی بوده و عبارت است از امساک اموالی که سزاوار نیست نگه داشته شوند (راغب، ۱۳۹۰: ۶۷؛ زبیدی، ۱۴۲۵، ج ۱۴: ۴۵). این واژه در قرآن دوازده‌بار و در هفت آیه، به‌صورت‌های مختلف به‌کار رفته است.

۹-۲. «شح»: آخرین حدّ بخل است که همراه با حرص است (ابن‌فارس، ۱۳۸۷: ۴۸۱؛ راغب، ۱۳۹۰: ۴۰۶). در قرآن، پنج‌بار به‌صورت مفرد و جمع به‌کار رفته و در مقابل، مشتقات ایثار از

باب إفعال نیز، پنج‌بار در آن آمده است. رابطه‌ی هم‌نشینی آن، با ماده‌ی ایثار در آیه‌ی نه سوره‌ی حشر: «...وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» به ما می‌فهماند که هرکس بتواند با انجام ایثار و پرهیز از بخل شدید، انحصارطلبی خود را مهار کند، رستگار می‌شود (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۸-۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۹۳).

۳-۹. «قَتُور»: به معنای خسیس و تنگ‌نظر است (ابن‌منظور، ۱۴۲۸، ج ۲: ۸۸۷)، «وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (الإسراء: ۱۰۰)؛ تنبیهی است بر سرشت انسان که همراه با بخل است (راغب، ۱۳۹۰: ۶۲۲). در قرآن، مشتقات دیگر آن نیز استعمال شده است.

۴-۹. «ضَنِين»: مترادف با بخیل بوده (ابن‌منظور، ۱۴۲۸، ج ۵: ۶۵۱)، و گستره‌ی معنایی آن نسبت به «شَح» کمتر است؛ زیرا محدود به بخل در امور نفیس و باارزش می‌شود. و در قرآن یک‌بار به‌کار رفته است (زمخشری، ۱۴۲۶: ۳۷۹). «وَمَا هُوَ عَلَىٰ الْعَيْبِ بِضَنِينٍ» (التکویر: ۲۴)؛ یعنی پیامبر(ص) نسبت به هیچ‌چیز از آنچه بر او وحی می‌شود، بخیل نیست و چیزی را از کسی پنهان نمی‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۲۱۹). و به‌عنوان الگوی نیکو، ایثارگری می‌کند.

۱۰. ترادف معنایی

ترادف یا هم‌معنایی (Synonymy)، در اصطلاح به یکسانی معنا ترجمه می‌شود (پالمر، ۱۳۹۱: ۱۰۵). در اینجا به برخی واژگان قرآنی که از نظر لغوی، با ایثار «هم‌معنایی نسبی» دارند، اشاره می‌شود:

۱-۱۰. «إِخْتِيَار»: نوعی برگزیدن که به‌جهت برتری‌داشتن و خیر وجودی آن، مورد پسندِ انتخاب‌کننده باشد؛ به‌عبارتی درخواست چیزی که انجام آن مایه‌ی خیر است (راغب، ۱۳۹۰: ۲۵۸). «وَلَقَدْ اخْتَرْنَا هُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ» (الدخان: ۳۲)؛ یعنی ما بنی‌اسرائیل را با علم می‌که به استحقاق آنان داشتیم، برگزیدیم (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۱۴۱)، که به برتری آن‌ها بر دیگران اشاره دارد.

۲-۱۰. «إِجْتِبَاء»: از ریشه‌ی «جَبَى» به معنای جمع‌کردن از روی اختیار و برگزیدن است. «إِجْتِبَاءُ اللَّهِ الْعَبْدَ»: برگزیدن خداوند، بنده‌ای را به فیض الهی است که برای انبیاء و بعضی از مقربان مانند شهداء و صدیقین می‌باشد (راغب، ۱۳۹۰: ۱۴۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۵۳). «وَجَاهِلُوا فِي اللَّهِ

حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ... (الحج: ۷۸)؛ در راه خدا کارزار کنید چنانکه سزاوار کارزار کردن برای اوست، او شما را برگزید. در این آیه «اجتباء» به معنای اختیار کردن و برگزیدن، به خاطر شایستگی وجودی آنهاست (طوسی، ۱۴۱۰، ج: ۷، ۳۴۴).

۱۰-۳. «اصطفاء»: به معنای اختیار کردن خلوص و نالودگی است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج: ۴، ۱۶۲)؛ «قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَ بِكَلَامِي...» (الأعراف: ۱۴۴)؛ گفت: ای موسی تو را به پیغمبری و به سخن گفتن خویش از میان مردم برگزیدم. فرق میان اصطفاء و اختیار، آن است که اصطفاء معنای اختیار را می دهد به اضافه ای اینکه در آن تصفیه نیز نهفته است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج: ۸، ۲۴۴).

۱۰-۴. «تفضیل»: مانند ایثار، به معنای برتری یافتن و برگزیده شدن استعمال می شود که گاهی به صورت مذموم (ترجیح ادنی بر اعلی)، مانند بالاگرفتن غضب، و بیشتر در امور پسندیده (ترجیح اعلی بر ادنی)، مانند برتری در علم و حلم می آید؛ مانند آیهی «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (النساء: ۹۵)؛ خداوند جهادکنندگان را بر آنها که از جهاد سر برمی تابند به پاداشی بزرگ برتری داده است (راغب، ۱۳۹۰: ۶۰۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج: ۹، ۱۰۸).

بنابر آنچه گفته شد، نتیجه می گیریم که واژگان «ایثار و تفضیل»، هر دو در ترجیح دادن مثبت و منفی به کار می روند؛ البته «تفضیل» به صورت مذموم، کمتر استعمال شده و بیشتر در امور ممدوح به کار می رود؛ اما «ایثار» به هر دو شکل استفاده شده است. واژهی «اصطفاء» نیز، انتخاب کردن خالص ترین شیء به دلیل خلوص آن است؛ همان گونه که اختیار، برگزیدن بهترین چیز به خاطر خیر موجود در آن است. و در نهایت واژهی «اجتباء»، که در قرآن کریم، بیشتر در معنای انتخاب کردن، و کمتر به معنای جمع نمودن (الأعراف: ۲۰۳) آمده است.

نتیجه گیری

۱. معنای عرفی واژهی «ایثار»، محدود به گذشت و فداکاری است؛ درحالی که معنای وضعی و لغوی آن، گستره‌ی معنایی وسیعی داشته و هرگونه برتری دادن و مقدم داشتن مثبت و منفی را شامل می شود. و در اصطلاح، به معنای گذشت از خود به نفع دیگران است که اعم از ایثار مالی و جانی است.

۲. قبل از اسلام، معنای اصطلاحیِ ایثار بیش از معنای لغوی، رایج بود و ایثار، بیشتر به انگیزه‌های فردی و قبیله‌ای محدود می‌شد؛ اما آیات قرآنی، آن را در خدمت اهداف دین اسلام قرار داد و به آن، نیت و انگیزه‌ی الهی داد که منشأ آن، ایمان به خدا و جهان آخرت است و به رحمت الهی و رستگاری، منتج می‌شود.

۳. در قرآن، مشتقات ایثار بر دو وجه معنایی و به تعداد پنج‌بار، آمده است: در وجه اول به معنای برگزیدن و مقدم‌داشتن منفی که مورد مذمت است (النَّازِعَات: ۳۸؛ الْأَعْلَى: ۱۶)، و در وجه دوم برگزیدن و مقدم‌داشتن مثبت به عنوان ایثار ممدوح، که در سه آیه استعمال شده است (یوسف: ۹۱؛ طه: ۷۲؛ الحشر: ۹).

۴. نتیجه این که معنای لغوی ایثار در آیه‌ی «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِحِمِّ خِصَاصَةً» (الحشر: ۹)، مطابق با معنای اصطلاحی شده است. و نیز به نظر می‌رسد کلمه‌ی «يُؤْتُونَ» در آیه‌ی «فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتُونَ» (المدثر: ۲۴)، برخلاف نظر برخی، از باب ایثار نبوده و به معنای «نقل یا روایت می‌شود»، صحیح است.

۵. برای بررسی بیشتر موضوع ایثار و تحلیل ساختار معنایی آن در قرآن، باید به دنبال کلیدواژه‌های دیگری باشیم که در محور جانشینی یا هم‌نشینی، به نوعی در ارتباط معنایی با آن هستند. در این بررسی به مفاهیمی همچون: «احسان، إطعام، انفاق، إعطاء و شهادت» و در نقطه‌ی مقابل آن، «بخل، شح، قُتور و ضنن» و در «هم‌معنایی نسبی» با آن، به «اختیار، تفضیل، إصطفاء و إجتباء» برمی‌خوریم.

۶. ایثار والاترین صفات، و شهادت بالاترین نوع آن است؛ و بدون معنانشناسی ایثار، واژه‌ی شهادت، غریب خواهد بود. خداوند در قرآن، شهیدان را با عباراتی مانند «الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (آل عمران: ۱۶۹)، معرفی می‌کند.

الف) منابع عربی

القرآن الکریم.

۱. ابن دُرید، محمدحسن، (۱۳۸۴ش/۱۴۲۶ق)، *جمهرة اللغة، الطبعة الأولى*، مشهد، مؤسسه الطبع والنشر التابعة لآستانة الرضوية.

۲. ابن فارس، احمد، (۱۳۸۷ش)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مرکز دراسات الحوزة و الجامعة.

۳. ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۲۸ق/ ۲۰۰۸م)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر.
۴. اندلسی، أبوحنان محمدبن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر.
۵. البستانی، فؤاد أفرام، (۱۹۶۰م)، المجانی الحدیثة، بیروت، المكتبة الشریفة.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴ق)، صحاح اللغة، تحقیق احمد عبدالغفور عطّار، بیروت، دارالعلم للملایین.
۷. زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق/ ۲۰۰۵م)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.
۸. زنجشیری، محمودبن عمر، (۱۴۲۶ق)، أساس البلاغة، الطبعة الاولى، بیروت، دارالفکر.
۹. طباطبائی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
۱۱. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
۱۲. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۰ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۳. عسکری، ابوهلال، (۱۴۱۲ق)، معجم الفروق اللغویة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۴. علی، جواد، (۱۹۷۲م)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، دارالعلم للملایین، مكتبة التهضة.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قم، مؤسسه دارالهجرة.
۱۶. قرطبي، محمدبن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصرخسرو.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، جلد دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۸. نراقی، محمد مهدی، (۱۳۸۴ق)، جامع السعادات، چاپ چهارم، بیروت، منشورات الاعلمی للمطبوعات.

ب) منابع فارسی

۱. انصاریان، حسین، (۱۳۷۴ش)، ترجمه‌ی صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام آزادی.
۲. ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۹۱ش)، خدا و انسان در قرآن، مترجم: احمد آرام، چاپ هفتم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۳. ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۸۸ش)، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، مترجم: فریدون بدره‌ای، چاپ دوم، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز.
۴. پالمر، فرانک، (۱۳۹۱ش)، نگاهی تازه به معناشناسی، مترجم: کورش صفوی، چاپ ششم، تهران، نشر مرکز.
۵. خوانساری، جمال‌الدین محمدبن آقا حسین، (۱۳۲۵ق)، شرح غررالحکم و دررالکلم، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. دشتی، محمد، (۱۳۷۹ش)، ترجمه‌ی نهج البلاغه، چاپ اول، قم، نشر بخشایش.
۷. دشتی، محمد و محمدی، سیدکاظم، (۱۳۷۹ش)، المعجم المفسر لألفاظ نهج البلاغه، چاپ دوم، قم، نشر امام علی (ع).
۸. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، (۱۳۹۰ش)، مفردات الفاظ قرآن کریم، مترجم: حسین خداپرست، چاپ چهارم، قم، انتشارات نوید اسلام.
۹. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲ش)، تفسیر پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۰. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۹۰ش)، دانشنامه‌ی قرآن و حدیث، چاپ اول، قم، دارالحدیث.
۱۱. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۲. مصطفوی، حسن، (۱۳۸۰ش)، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر چاپ.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. ناس، جان بایر، (۱۳۸۶ش)، تاریخ جامع ادیان، مترجم: علی‌اصغر حکمت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

دلالة الاىثار فى القرآن الكرىم

على رفيعى^١، سيد حسين سيدى^٢

١- طالب دكتوراه فى قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة فردوسى مشهد

٢- استاذ فى قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة فردوسى مشهد

alirafiei@gmail.com

ملخص:

«الايثار» كأعلى مستوى الإيمان، مع مجموعة واسعة من المعنى المعجمى والاصطلاحى؛ ولكن التّطابق الدلالي لهذه الكلمة بين الناس، بحيث قد إقتصر، أنّه قد ظهر على المعنى الاصطلاحى «الصّفح و التّضحية» كثيراً. فى هذه الدراسة، يتعيّن المعنى الوضعى لكلمة الإيثار، إستناداً إلى المصادر المعجمية، بعد معرفة أصلها، لاكتشاف طبقاتها الدلالية فى آيات القرآن الكرىم، وتتم مقارنة استخدامها فى فترة ما قبل الإسلام وبعدها. ثم، يتم فحص المكانة والعلاقة الدلالية فى القرآن، وفيما يتعلق مجالها الدلالي. لهذا الغرض، قد فصل المطالب تحت عنوان «الدلالة التاريخية و الوصفية»، باستخدام نهج «الوصفية والتحليلية».

معناها المعجمى يشتمل على أيّ تفضيل وتقديم، على حدّ سواء، الايثار الإيجابية والسلبية. قبل الإسلام، كان معناها المصطلح أكثر شيوعاً بالمعنى المعجمى وكانت تقتصر على الدوافع الشخصية والقبلية كثيراً؛ ولكن الآيات القرآنية، تخدمها أغراض الدّين الجديد. فى سياق القرآن الكرىم، لهذه الكلمة علاقة دلالية مع العديد من المفاهيم الأخلاقية والدينية، إضافة على المعنى المعجمى والاصطلاحى: فى معناها الاصطلاحية مع كلمات كالأحسان، الإطعام، الانفاق، الشهادة؛ وفى التباين الدلالي مع كلمات كالبخل، الشّح، القُتور، الضّنين؛ وفى الترادف النسبى مع كلمات كالإختيار، التفضيل، الإصطفاء والإجتباء؛ أنّهم يضعون فى مجال دلالي واحد.

الكلمات الرئيسية: القرآن الكرىم، الايثار، الدّالة التاريخية، الدلالة الوصفية؛ المجال الدلالي

